

نوروز و سفره هفت میم بوشهری‌ها

نوشته دکتر سید جعفر حمیدی

پرداختن به آیین‌های باستانی و رسوم کهن، به معنای نفی ارزش‌های اعتقادی و امور معنوی نیست؛ و همان‌گونه که ما نمی‌توانیم علم دیروز، هنر دیروز و اندیشه‌های دیروزیان را اگر مثبت باشند نفی کنیم، آیین‌ها و رسوم نورانی و درخشان دیرین اجداد و نیاکان خود را نیز نمی‌توانیم نادیده بگیریم و از آنها روی برگردانیم، به ویژه این سخن در مورد نوروز و آغاز سال صدق می‌کند زیرا که (نوروزپیشانی سال نو است) ^۱ و فروردین، ماه شروع سال نو است و (نخستین روز آن روز نوروز است که اولین روز سال نو است) ^۲. و پیشینیان شب اول فروردین و شب اول مهر را که شب و روز در تمام نقاط جهان برابر است، شب قدر می‌نامیده‌اند و اشارت قرآن مجید به شب قدر که ۲۱ یا ۲۳ ماه مبارک رمضان است با این شب یا شب اول مهر، تقارن داشته است. ^۳ و در سخن سعدی نیز آمده است که:

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار ^۴

این بامدادانی (هنگام صبح) که از نظر سعدی، شب و روزش با هم برابر است و با هم تفاوتی ندارند. همان صبح روز اول نوروز است. روزی است که (تاریخ و ادر آن نهادند و تاریخ را از آنجا آغاز کردند) ^۵. شرح و تفصیل نوروز که از کی آمده و از کجا و چگونه آمده، مفصل است و مکثر و درباره آن بسیار گفته‌اند و فراوان نوشته‌اند چنان که بیان همه آنها به درازا می‌انجامد و خلاصه‌اش آنکه نوروز جشن آغاز سال جدید، تجدید حیات طبیعت، و جشن بلوغ خورشید است. همان که در شب یلدا (اول دیماه) تولدش را جشن می‌گیرند زیرا روز یکم دیماه چند دقیقه‌ای بیشتر بر زمین نورافشانی می‌کند و به منزله نوزادی است که در این روز متولد می‌شود. و در جشن سده (دهم بهمن ماه) چهلمین روز تولدش را و در چهارشامیت سوری (چهارشنبه گل سرخ و آتش) اواخر اسفند جشن سه ماهگی این نوزاد و سرانجام در نوروز جشن کالش را برگزار می‌کنند. و می‌دانیم که ایرانیان قدیم، نوروز و روشنائی را گرامی می‌داشتند و پیوسته جشن نور و روشنائی را برپا می‌نمودند و از ظلمت و تاریکی که از پدیده‌های اهریمنی است، نفرت داشتند. چنان که در روز سیزدهم نوروز، از

خانه‌ها به خارج شهرها می‌رفتند تا دیو سیاهی زمستان را به دور افکنند. و با خلوص و پاکی و روشنائی دل، پسینگاهان همان روز سیزدهم، به خانه‌های خود باز می‌گشتند.

حکمت آداب

بر پا داشتن و گرامی داشت آیین‌های نوروز هیچگاه بدون حکمت و عاری از مصلحت نبوده است. جامه نو پوشیدن در این روز که از عهد کهن و اساطیری کیومرث و جمشید بر جای مانده است نه تنها به معنی نو شدن لباس است بلکه نو شدن دل و اندیشه و بنیادهای درونی انسان را خیر می‌دهد فرح و نشاط روحی که در هنگام پوشیدن لباس نو و تحیز و پاکیزه، به آدمی دست می‌دهد وصف ناشدنی است. پس نوروز به نوعی با روح و جان آدمی عجین می‌شود.

سر سال نو، هر فروردین

بر آسوده از رنج، تن، زکین

بزرگان به شادی پیار استند

نی و جام و رامشگران خواستند

چنین روز قریح از آن روزگار

بمانده از آن نیکوان یادگار ^۶

آب پاشیدن بر یکدیگر و به آب روان و زلال نگریستن نیز رسمی است که ابوریحان از زیربنای آن خبر داده و نشانه روشنائی و شادی و پاکی است. و خوردن شیرینی، کام جان شیرین کردن است. در حقیقت جشن نوروز جشن صیقل دادن روح است و آب دیده کردن تن. اگر در این روزها کسی بتواند روح خود را جلا و صفا دهد، باقی روزها افسرده و غمگین خواهد بود.

در کشور مقدس ما که سرزمین آیین‌ها و جلوه‌گاه هزاران هزار رسم و آداب است و به راستی تاکنون کسی یا قلمی قادر نبوده که تمام رسوم و عادات و آداب و آیین‌های سراسر کشور را جمع‌آوری کند و آنچه که جمع‌آوری شده به منزله قطراتی از این دریا است زیرا که هر شهر و ده و دهستان و حتی کوچکترین مراکز جمعیتی، مردمش برای خود آداب و رسومی خاص دارند و بر شمردن همه رسمها و آیین‌ها، آسان نمی‌نماید. اما قابل ذکر است که با تمام گوناگونی و تفاوت که در آداب و رسوم هر شهر و روستا در سر تا سر سرزمین تابناک ایران وجود دارد؛

یک رسم هست که تقریباً بین تمام شهرها و روستاها با اندک تفاوتی مشترک است و آن رسم و آیین نوروز است.

در روزگاران پیشین که وسایل ارتباطی و خطوط مواصلاتی به صورت امروز موجود میسر نبود و هیچ وسیله‌ای برای رساندن خبر، از یک نقطه به نقطه دیگر، جز پیکها و قاصدها و اسبان و شتران رهوار و تندرو وجود نداشت و خبری از یک گوشه مملکت به گوشه دیگر بعد از چندین روز یا چندین ماه می‌رسید، چگونه بود که خبر برگزاری رسم و آیین نوروز در سراسر این خاک طربناک پخش می‌شد و همه مردم این مراسم را با اندک تغییری بر پای می‌داشتند و پس از دهها قرن هنوز هم همان آیین‌ها، نه کمتر، بلکه افزون‌تر برگزار می‌شود؟ این نیست مگر به معجزه ایمان و پاکی آئین و عظمت روشنائی در این سرزمین خدایسی. و اگر این رسم و رسوم، از آبشخور اندیشه‌های اهریمنی، نشأت می‌گرفت بدون شک تا امروز، نامی و نشانی از آنها در کار نبود.

بی‌تردید همه این رسوم، ریشه در آئینی اهورایی و خدایی دارد زیرا در روزهای نوروز، همه چیز، بوی نوری و نشاط می‌دهد. طبیعت، جامه عوض می‌کند و لباس تیره زمستان را از تن، بدر می‌آورد. و جامه سبز بهار می‌پوشد. پرندگان لانه‌های خود را که در زمستان فرو ریخته، از نو بنا می‌کنند. و در آن تخم‌گذاری می‌نمایند و شادی و روح‌نوازی هوای بهار، نفس را در سینه‌ها تازه می‌سازد و بالاخره آدمیان نیز، نو می‌پوشند و خوش می‌گویند و عهدهای شکسته را تجدید می‌کنند و ناآشتی‌ها را از دل فرو می‌ریزند و همزمان با تحویل سال، مهربان و مصممی در کنار هم می‌نشینند.

نوروز نه تنها جشن شادی را برای زندگان به ارمغان می‌آورد بلکه مردگان نیز در این جشنها شریکند زیرا در حقیقت، فروردگان یا فرورهران، جشن ورود و نزول روانه‌های درگذشتگان به زمین است که بنا به عقیده ایرانیان قدیم، در این روزها، ارواح گذشتگان به خانه‌های خود یا منسوبین می‌روند و زندگان از چند روز پیش از ورود آنها خانه تکانی و آب و جارو و نظافت می‌کنند و خانه را پاکیزه و آماده می‌سازند و سفره می‌گسترند، تا از مهمانان غیر قابل رؤیت خود به نحو احسن، پذیرایی نمایند. این رسم امروز در میان ملل و ادیان مختلف دیگر نیز به نام

جشن اموات یا جشن مردگان وجود دارد و در واقع یادآوری خاطره انگیزی است از عزیزان در گذشته. آداب نوروز در شهرهای مختلف ایران با تفاوت‌های مختصری، به هم قرابت و مشابهت دارد. اشتراک سلیقه در چیدن سفره هفت سین نوروز تقریباً در همه جا وجود دارد. تنگ آب و ظرف ماهی و سبزه و شیرینی و میوه و مواد غذایی و سایر خوردنی‌ها بر سر سفره گذاشتن رسمی است که از دیرگاهان در این سرزمین گل افشان رواج داشته است و رواج دارد.

واژه عید، به معنی بازگشت و اعاده است و در اصطلاح به معنی (روزی است که همه مردم شادمان هستند و لباس نو می‌پوشند و به یکدیگر تبریک و شادباش می‌گویند).^۷ زمین هر ۳۶۵ روز و چند ساعت به دور خورشید می‌چرخد و با چرخش آن ماه و فصل و سال پدید می‌آید و در هر سال در نقطه اعتدال ربیعی یعنی اول ختم (فروردین ماه) سال عوض می‌شود و این تغییر سال یعنی ورود خورشید از برج حوت به برج حمل را عید گویند و مردمان در این روز و روزهای مقارن آن جشن می‌گیرند و شادمانی می‌کنند.

در جنوب ایران

در جنوب ایران نیز به ویژه در منطقه بوشهر، آداب نوروز را به خوبی برپا می‌دارند. مدارکی موجود است که بوشهر از جمله شهرهای هشتگانه است که اردشیر، بنیان‌گذار سلسله ساسانی در ساحل دریای فارس بنا کرد. پیش از او نیز قوم عیلام (ایلام) تمدنی کهن را در این نقطه بنیان نهاده بود که تل و تپه‌هایی ناچیز از آثار معابد و مسکن آن قوم هنوز در نواحی شرقی بوشهر به چشم می‌خورد و بقایای سدها و آب‌بندها و سیل‌بندهای عصر ساسانی و ستونها و سرستون‌ها و عمارات عهد هخامنشی در اطراف بندر دیلم و گناوه و برازجان و سیراف (بندر طاهری) و مناطق دیگر به خوبی مشهور است. با ظهور اسلام، مردم این منطقه نیز این آیین مقدس را پذیرا شدند و آثار و بناهای حکومتی بعد از اسلام، مثل فیل‌خانه عضدی سیراف و کشتی بنیان بندر نایبند (ناوبند) و مسجد بردستان و بقایای بعضی از آثار دیگر هنوز موجودند. با این توصیف، منطقه بوشهر از تمدنی کهن بهره برده و در قرون اخیر نیز به وجود شاعران و نویسندگان و هنرمندان و ارباب عثمانم و علمای بسیار، مزین بوده و می‌باشد.

رسم دیرین نوروز در بوشهر نیز مثل سایر نواحی و با همان تشریفات برگزار می‌شود با این تفاوت که پاره‌ای از مراسم، امروزه متروک مانده و آداب عید تحت تأثیر رسانه‌های تصویری یعنی تلویزیون ترتیب می‌یابد. همان گونه که بسیاری از واژه‌ها، ترکیب‌های لغوی و لهجه‌های محلی، تحت تأثیر رادیو و تلویزیون، فراموش شده‌اند. به هر صورت تا چندی پیش در بوشهر، رسم بر این بود که علاوه بر سفره

هفت سین، سفره دیگری نیز گسترده می‌شد به نام سفره «هفت میم». و چنان که بر سر سفره هفت‌سین، موادی مانند سیر و سنج و سماق و سرکه و سمنو و سبزی و سکه می‌گذاشتند (که البته این رسم چندان کهن نیست و ایرانیان قدیم چنین معجون و ملغمه‌ای نداشتند و بجای اینها، نعمات و برکات الهی مثل گندم و جو و برنج و حبوبات و غیره بر سفره می‌گذاشتند)، سفره هفت میم نیز به نعمت‌هایی مثل: ماهی، میگو، مرغ، مریا، ماست، مسقطی و میوه مزین می‌شد. سفره هفت میم، امروزه گسترده نمی‌شود.

از چند روز مانده به تحویل سال، شیرینی‌بزان برقرار می‌شد و علاوه بر شیرینی‌های خانگی دو نوع نان شیرینی طبخ می‌شد یکی به نام «قرابچه»* و دیگری به نام «بی‌بی گلی»* یا «بیب گلی»، ماده اولیه هر دو نان تقریباً یکی بود یعنی آرد، شکر، روغن، شیر،



پای نوشت‌ها:

آیین‌ها متناسفانه به بوته تعویق افتاده و خوشبختانه بسیاری دیگر رایج است.

در ایام نوروز اشعار و سرودهایی نیز در منطقه خوانده می‌شد، البته تعداد ابیات این اشعار، نه فراوان بود و نه ارزش ادبی داشتند. قافیه و ردیف و وزن نیز در آنها رعایت نمی‌شد. بیشتر این ابیات، ریشه در اوضاع اقتصادی و فقر جاری روز داشت و گاهی از یک مصرع یا یک بیت تجاوز نمی‌کرد. افراد خانواده‌های کم درآمد که نوروز برایشان مثل رویهای دیگر فقرآلود بود معمولاً می‌خواندند

عید ما، نوروز ما

جوومه کهنه هر روز ما

عید ما، نوروز ما

جوومه کهنه هر روز ما

و یا گاهی از سر نیاز می‌خواندند

عید آمد و ما لختیم

دیشب به بابام گفتیم

هم خندید و هم لندید

انگار به ... گفتیم

و هنگامی که در روز سیزده نوروز سبزه‌ها را گره

می‌زدند اگر گره باز می‌شد به فال نیک می‌گرفتند و

دختران جوان می‌خواندند

سیزده به در سیزده به در

سال دیگه خونه شوهر، بچه بغل

بهار آمد زمین فیروزه گون شد

به عزم سیر، دلدارم برون شد

به گل چیدن روان شد یار فایز

کل از خجالت، تمامی سرتگون شد

شب عید است و هرکس با عزیزش

کند بازی به زلف مشک بیزش

بجز فایز که دلداری ندارد

نشیند با دل خونابه ریزش

پی نوشت‌ها:

۱- بیرونی، ابوریحان (التفهیم لاوائل الصناعه النجیم)

۲- بیرونی، ابوریحان (آثار الباقیه عن القرون الخالیه)

۳- برای اطلاع کامل از این موضوع، ر. ک. مهدی، مهندس

محمد رضا (نظریه‌ای بر تقویم قمری) تهران، ناشر مؤلف، چاپ

مراج، ۱۳۷۲، ص ۴۰

۴- سعدی، مشرف‌الدین، مصلح بن عبدالله (کلیات شیخ سعدی) به

تصحیح محمد علی فروغی، تهران، علمی، ۱۳۳۸، ص ۴۴۴

۵- خیام نیشابوری، عمرین ابراهیم (نوروزنامه) منسوب. به کوشش

علی حصوری، تهران، طهوری، ۱۳۵۷، ص ۱۲

۶- فردوسی، ابوالقاسم (شاهنامه) به کوشش ژول مول، تهران،

چیبی، ۱۳۶۳، ج ۱ ص ۱۷ با تغییر دو کلمه

۷- نفیسی، ناظم الاطباء (فرهنگ نفیسی) تهران، خیام ج ۱۳ ص

۲۴۲۵

* Cerapie. * * * bibigoli

***. قرایب می‌ماند نان کاک که کرمانشاه و نان بوخه شیراز است اما نه

به آن طرافتی که این دو دارند.